

شهید خدارحم فخرایی



ازتبار علی
سازمان جامع سرواران و دختران شهید استان بوشهر

نام پدر	حسین
تاریخ تولد	۱۳۴۵/۰۱/۰۱
محل تولد	بوشهر - دیر
تاریخ شهادت	۱۳۶۱/۱۲/۲۲
محل شهادت	سر پل ذهاب
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	—
تحصیلات	دوره راهنمایی
مدفن	دیر

زندگینامه

شهید خدارحم فخرایی، در سال ۱۳۴۵ در بندر دیر در خانواده ای فقیر و محروم پا به دنیا گذاشت. هفت ساله بود که به مدرسه راه یافت و تا کلاس پنجم ابتدایی درس خواند، اما بر اثر فقر مالی که گریبانگیر خانواده اش بود از ادامه تحصیل بازماند و جهت امرار معاش خود و خانواده اش به کارگری مشغول شد. با وجود کمی سن به خاطر درک موقعیت خانواده، همچنان به کار ادامه داد، زیرا می دانست که زحمت کشیدن جهت امرار معاش، نیز نوعی جهاد است و موجب رضای خدای بزرگ.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، به واسطه عشق و علاقه ای که به انقلاب و اسلام داشت، حضور فعال خود را در کمیته و بسیج محل نشان داد. با رشوع فعالیت های بسیج، او نیز به این ارگان مردمی و انقلابی پیوست و شبانه روز در خدمت بسیج بود و کمتر به خانه می رفت.

شهید از نظر اخلاق و رفتار، به گفته همه دوستان و نزدیکانش، دارای اخلاق نیکو و پسندیده ای بود و هیچوقت حرف بدی از او شنیده نشد. دارای رویحه عالی بود و به خاطر عشق به اسلام و خالق یکتا بود که ضرورت شرکت در جبهه را دریافت و به مصاف لشکریان شیطان شتافت و به کارزار با آن ها پرداخت و ندای هل من ناصر امام حسین (ع) را که از گلوی فرزند برومندش، ابراهیم دوران به گوش می رسید، لبیک گفت و در تاریخ ۲۱/۱۲/۱۳۶۲ در جبهه سر پل ذهاب به درجه رفیع شهادت نائل آمد و به سعادت و حیات ابدی دست یافت.

وصیت نامه

الذین اذا اصابتهم مصیبه قالوا انا لله وانا اليه راجعون

سوره بقره آیه ۱۵۶

آنانکه چون به حادثه سخت و ناگواری دچار شدند صبوری پیشه کنند، میگویند به فرمان خدا آمده و به سوی او رجوع خواهیم کرد.

و حال که بدنهای ما برای مردن آفریده شده پس چه بهتر که این مرگ در راه خدا باشد و الگوی شهادت (سیدالشهدا[ع])

پدر و مادر عزیزم امیدوارم که شما از مرگ من غمگین و ناراحت نشوید و همچنان در سیر الی الله و خط امام پیشرو باشید و این بدانید که من در این راه کامروا و سعادتمند هستم زیرا این راه به حق است و حتی خداوند در قرآن فرموده است: «من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من یتنظر و ما بدلوا تبدیلا» برخی از مومنان بزرگمردانی هستند که به عهد و پیمانی که با خدا بسته اند کاملاً وفا کرده اند، پس برخی به آن عهد ایستادگی کرده اند تا به راه خدا شهید شوند و برخی به انتظار فیض شهادت مقاومت کرده و هیچ عهد خود را تغییر نداده اند.

برادر جان: از مرگ من هیچ ناراحت مباش و همیشه در خط امام خمینی و روحانیت عزیز باش و من از شما می خواهم زمانی که مرا یاد می کنید با خوشحالی و سرافرازی مرا یاد کنید و مادر عزیزم باید ببخشی که من همیشه تو را رنجیده می کردم مرا ببخش ای مادرم بر من مبادا گریه کنید که اگر تو گریه کردی دشمنان خوشحال می شوند. ای دوستان عزیز اگر هر بدی از من دیده اید به خاطر رضای خداوند مرا ببخشید. خداحافظ، خداحافظ ایا مادر. خدا رحم فخرایی

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار. الهی آمین یا رب



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران